



جملات و اصطلاحات انگلیسی - مراجعه به پزشک

Doctor

شکایت بیمار

۱- دکتر، امروز حال خوب نیست.

Doctor, I am not feeling well today.

۲- مشکل تون چی است؟

What's the matter with you? / What's wrong with you?

۳- حالت تهوع دارم.

I feel sick. / I feel queasy.

۴- معمولاً بعد از ناهار یا شام حالت تهوع پیدا می کنم.

I usually feel like throwing up after lunch or dinner.

۵- شب زیاد سرفه می کنم.

I cough a lot at night.

۶- آیا شب ها خر پف می کنید؟

Do you snore at night?

۷- اول دماغم آب می آمد، ولی حالا گرفته است.

At first my nose was runny, but now it is stuffed up.

۸- می بینم که صداتون هم گرفته است.

I see you are hoarse, too.

۹- رنگ تون پریده. لطفاً پیراهنتان را بزنید بالا.

You look pale. Pull up your shirt, please.

۱۰- دهانتان را خوب باز کنید. می خواهم نگاهی به گلوینتان بیاندازم.

Open your mouth wide; I want to look at your throat.

۱۱- بگذارید نبض تون/ فشار خونتون را بگیرم.

Let me take your pulse/ blood pressure.

۱۲- این دماسنج را زیر زبانتان بگذارید.

Rest this thermometer under your tongue.

۱۳ - کمرم بد جوری درد می کند.

I have a terrible backache.

۱۴ - سرما خورده ام و بدنم سست است.

I have a cold and feel sluggish.

۱۵ - سینه ام درد می کند.

I have a pain in my chest.

۱۶ - چشم چپم درد شدیدی / خفیفی دارد.

I have a sharp pain/ dull pain in my left eye.

۱۷ - دیروز دو بار غش کردم.

I passed out/ fainted twice yesterday.

۱۸ - میشه برام آزمایش ادرار و خون بنویسید؟

Will you please order some urine and blood tests for me?

تشخیص بیماری و تجویز پزشک

۱۹ - تشخیص تون چیه دکترا؟

What is your diagnosis doctor?

۲۰ - فکر می کنم شما کاملاً سالم هستید.

I think you are quite healthy.

۲۱ - دماسنج ۴۱ درجه را نشان می دهد.

The thermometer reads 41 degrees.

۲۲ - شما تب بالای ۴۰ درجه دارید.

You are running a fever with a temperature of over 40.

۲۳ - فشار خون تون بالا / پایین است.

Your blood pressure is high / low.

۲۴ - نبض تون منظم نمی زند.

You have an uneven pulse. / You have an irregular pulse.

۲۵ - پدر بزرگ تون ممکن است دچار ایست قلبی بشود.

Your grandfather might suffer a cardiac arrest.

۲۶- تشخیص من فتق است و شما باید فتق بند ببندید.

My diagnosis is hernia and you to wear a truss.

۲۷- شما باید عمل کنید.

You should have an operation.

۲۸- باید هر چه سریعتر از سینه تان عکس بگیرید.

You should take an X- ray of your chest as soon as possible.

۲۹- با این قلب ضعیف آیا فکر می کنید از زیر عمل بیرون می آید؟

With such a weak heart, do you think she can come through the operation?

۳۰- باید عمل کنیم تا سنگ کلیه اش را در بیاوریم.

We have to have an operation to remove his kidney stone.

۳۱- امیدوارم عمل جراحی موفقیت آمیز باشد.

I hope the operation will be a success.

۳۲- باید دیالیز بشود. مشکل کلیه دارد.

We have to put him on a kidney machine. He has a kidney problem.

۳۳- تا اثر بیهوش کننده از بین نرود، او کاملاً به هوش نمی آید.

She won't be fully conscious until the effects of the anesthetic have worn off.

۳۴- می توانیم یک کلیه به او پیوند بزنیم.

We can transplant a kidney into him.

۳۵- باید یک اهداء کننده کلیه پیدا کنید.

You need to find a kidney donor.

۳۶- امیدوارم که بدن پیوند را قبول کنه.

I hope the transplant won't be rejected.

۳۷- باید در این بخش بستری شود.

He has to be hospitalized in this ward.

۳۹- به خاطر آفتاب زدگی / سرطان پوست تحت درمان قرار گرفت.

She was treated for sunstroke/ skin cancer.

۴۰- تشخیص من طاعون/ وبا/ اسهال خونی است.

My diagnosis is plague/ cholera/ dysentery.

۴۱- معمولاً شرایط غیر بهداشتی عامل عمده این بیماری ها است.

Unhygienic conditions are usually the main causes of these illnesses.

۴۲- طفلی بچه شما آبله مرغان / سرخک/ اوریون گرفته است.

Your poor child has caught chicken-pox/measles/mumps.

۴۳- مطمئن نیستم، ولی ممکن است مالاریا/ کزاز باشد.

I am not sure, but it might be malaria/ tetanus.

۴۴- مطمئن هستید من هپاتیت /یرقان دارم؟

Are you sure my illness is hepatitis / jaundice?

۴۵- معمولاً غذا چی می خورید؟

What do you usually eat?

۴۶- رژیم غذایی من فقط میوه و سبزیجات است.

I live on a diet of fruit and vegetables.

۴۷- بهتر است هر روز صبح ورزش کنید.

You had better exercise every morning.



۴۸- زیاد سیگار می کشید؟

Are you a heavy smoker?

۴۹- سیگاری خرابم.

Yes, I am a chain smoker.

۵۰- آب پرتقال تازه بخورید.

Drink fresh orange juice.

۵۱- بهتر است وزن‌تان را هم کم کنید.

You had better lose weight, too.

۵۲- خدا را شکر که نباید بستری بشوم!

Thank God I should not be hospitalized!

۵۳- مشکل حادی نیست، فقط قوزک پایتان پیچ خورده است.

It's nothing very serious. You have just sprained your ankle.

۵۴- یک آسپرین بخورید و دراز بکشید.

Take an aspirin and lie down.

۵۵- فکر می‌کنم زانویتان در رفته است.

I guess you have a dislocated knee.

۵۶- نگران نباشید، استخوانتان نشکسته است. فقط مو برداشته است.

Don't worry, your bone isn't broken; it's just a hairline fracture.

۵۷- دکتر استخوان هایم را جا انداخت.

The doctor set my bones.

۵۸- استخوانهایتان هنوز جوش نخورده است.

The bones are not fused yet.

۵۹- چه مدت باید پایم تو گچ باشد؟

How long should my leg be in plaster?

۶۰- یک مدتی باید با عصا راه بروید.

You have to go round on crutches for a while.

۶۱- این هم یک نسخه برای مشکل تان.

Here is a prescription for your problem.

۶۲- هر روز از این قرص ها دو تا بخورید.

Take two of these tablets every day.

۶۳- من هیچ وقت آرام بخش تجویز نمی کنم.

I never prescribe tranquilizers.

۶۴- قبل از اینکه شما مسافرت بروید، باید واکسن وبا بزنید.

You will have to be vaccinated against cholera before you can travel.

۶۵- اگر دارویت را نخوری خوب نمی شوی

You won't get better if you don't take your medicine.

۶۶- باید بچه تون را گول بزنید تا دارویش را بخوره.

You should coax your child to take his medicine.

۶۷- شما باید سبزیجات خام زیاد بخورید.

You should eat plenty of raw vegetables.

۶۸- اگر یبوست دارید، باید سبزی و میوه بیشتر بخورید.

If you're constipated, you should eat more vegetables and fruit.

۶۹- توصیه می کنم پرتقال و دیگر مرکبات بخورید.

I advise you to eat orange and other citrus fruits.

۷۰- آیا به پنیسیلین حساسیت دارید؟

Are you allergic to penicillin?

۷۱- یک آمپول به شما می زخم تا دردتان کم بشود.

I will give you an injection to dull the pain.

۷۲- باید زخم شما را با ماده ضد عفونی کننده تمیز کنم.

I have to clean your wound with antiseptic.

۷۳- یک کم ممکن است بسوزه.

It may sting a little.

۷۴- حالا باید آن را باند پیچی کنم.

Now I have to put a bandage on it.

۷۵- دکتر یک دوره آنتی بیوتیک برام تجویز کرده است.

The doctor has put me on a course of antibiotics.

۷۶- دکتر گفت دو بار در روز چشم هایم را شستشو بدهم.

The doctor told me to bathe my eyes twice a day.

۷۷- دکتر سوابق بیماریش را بررسی کرد.

The doctor checked up on his patient's records.

۷۸- دکتر بهم گفت سیگار کشیدن را کم کنم.

The doctor told me to cut down on my smoking.

۷۹- او گفت سیگار و کلسترول بالا دلایل اصلی بیماری قلبی است.

He said smoking and a high cholesterol level are the main causes of heart disease.

۸۰- دکتر بهم گفت باید یک مدت غذاهای چرب را کنار بگذارم.

The doctor said I ought to lay off fatty foods for a while.

۸۱- دکتر برام نسخه نوشت.

The doctor made out/ wrote a prescription for me.

۸۲- آنطوری که دکترم گفت من هشت کیلو اضافه وزن دارم.

According to my doctor, I'm 8 kilos overweight.

۸۳- دکتر می گوید باید قرص بخورم.

My doctor says I should go on the pill.

۸۴- دکتر مرا پیش روانپزشک فرستاد.

The doctor referred me to a psychiatrist.

۸۵- دکتر برای سرفه ات چی تجویز کرد؟

What did the doctor prescribe for your cough?

۸۶- دکتر به من یک پنیسیلین زد.

The doctor gave me a penicillin injection.

۸۷- بزودی بهت مرفین می زنند.

They will inject you with morphine soon.

۸۸- این دارو باید تحت نظر پزشک مصرف بشود.

This drug should only be taken under the supervision of a doctor.